

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال یازدهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۴ Scopus

صص ۱۳۳-۱۱۵

بررسی نسبت ایدئولوژی با تغییر جای نام‌ها در ایران پس از انقلاب اسلامی

دکتر عطاء الله عبدی* - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی

حسین عیسی‌نیا - کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۲۹

چکیده

نام‌های جغرافیایی در انعکاس فرهنگ‌ها، رویدادها و باورهای مردم ساکن در واحدهای مختلف مؤثر هستند و می‌توان از آنها به‌عنوان یکی از کلیدهای کشف واقعیت‌های تاریخی سود جست. از آنجا که ساکنان هر واحد سیاسی خود را متعلق به واحدی می‌دانند که با نام مشخص خوانده می‌شود، به هر میزان که این نام و تغییرات آن با اصول فرهنگی و روابط اجتماعی منطقه تجانس بیشتری داشته باشد در یکپارچه کردن ساکنان آن منطقه نقش بیشتر و بهتری ایفا خواهد کرد و به انسجام ملی کمک کرده و باعث همگرایی خواهد شد. پژوهش حاضر در پی بررسی و استخراج نام‌های جغرافیایی تغییر یافته، شامل نام استان‌ها، شهرستان‌ها، بخش‌ها و دهستان‌ها در مقطع پس از انقلاب اسلامی و مستندات آنها با توجه به منابع مختلف (وزارت کشور، سایت دولت، کتاب‌های مجموعه قوانین دادگستری، روزنامه‌های رسمی، فرهنگ‌های جغرافیایی و...) و تجزیه و تحلیل آنها و اینکه آیا این تغییرات تحت تأثیر ایدئولوژی انقلاب اسلامی بوده است، می‌باشد. روش تحقیق در این مقاله از نوع توصیفی-تحلیلی و ابزار گردآوری اطلاعات مطالعات کتابخانه‌ای است. همچنین نقشه‌ها و نمودارهای مورد نیاز این پژوهش با استفاده از نرم‌افزارهای GIS و EXCEL تهیه شده است. یافته‌های تحقیق گویای آن است که روند تغییر نام در ایران در مقطع مورد مطالعه بیشتر به علت تغییر در ساختار تقسیمات کشوری می‌باشد، و این مورد شامل ارتقاء، انتزاع، الحاق و هرگونه تغییر در محدوده واحدهای سیاسی می‌باشد. بیشترین تغییرات از لحاظ پراکنش جغرافیایی در استان‌های مازندران، خوزستان و فارس بوده است. واژه‌های کلیدی: واحدهای سیاسی، نام‌های جغرافیایی، هویت ملی، ایدئولوژی، ایران.

E-mail: attaabdi@gmail.com

* نویسنده عهده‌دار مکاتبات

۱- مقدمه

نام مکان‌های جغرافیایی یکی از مهمترین شاخصه‌های هویت ملی هر کشوری به‌شمار می‌رود. سیر تغییر نام و نامگذاری مکان‌های جغرافیایی در طی قرون گذشته تحت تأثیر عواملی چند بوده و از این نظر امری در خور مطالعه و بررسی است. در بعضی ادوار نام‌ها متأثر از فرهنگ اقوام بوده و توسط خود مردم انتخاب می‌شدند و در بعضی ادوار دیگر با دستور بزرگان و پادشاهان نامگذاریها و تغییر نام‌ها انجام گردیده است. در قرون اخیر عوامل گوناگون و متنوعی مانند سیاست دولت‌ها، خواست حکومت، ایدئولوژی، افکار عمومی، فرهنگ جامعه و ... در آن دخیل می‌باشد که این امر به‌نحوی در ایران هم جای بررسی و پژوهش را دارد.

موقعیت جغرافیایی ایران در جنوب غربی آسیا از گذشته‌های دور در اوضاع فرهنگی و سیاسی، ظهور و پیدایش حکومت‌ها و سقوط آنها و بالاخره در تغییرات مرزهای ایران مؤثر بوده است. فرارگیری ایران در بین سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا موجب شده که این کشور از تأثیر حوادث مختلف این سه قاره، مصون نباشد. به‌طوری‌که از دیر باز بین این کانون‌ها و مراکز متمدن قدیم و جدید محصور بوده و بدون شک، نیرو گرفتن یا ضعیف شدن هریک از این کانون‌ها در مسائل سیاسی و اجتماعی و حدود و ثغور این سرزمین بی‌تأثیر نبوده است.

به‌عبارت دیگر می‌توان گفت شرایط ریشه گرفته از تاریخ کهن و جغرافیای ویژه باعث شده است که مقوله هویت در ایران امری چند پایه و چند لایه باشد. این امر به‌نوعی در جای نام‌های گوناگون (طبیعی و انسان‌ساخت) کشور هم به‌خوبی دیده می‌شود که بازتابی از روندها و محتوای فرهنگی و هویتی ایران در دوره‌های گوناگون تاریخی بوده است. در این رابطه بررسی روند نامگذاری مکان‌های جغرافیایی در ایران گویای پیروی آن از روند تحولات اجتماعی و تاریخی ایران بوده است. به بیان دیگر در هر دوره‌ای متناسب با شرایط ویژه آن دوره برخی تغییرات در جای نام‌ها صورت می‌گرفته است. از جمله تحولات سیاسی بزرگ صورت گرفته در تاریخ معاصر ایران، پیروزی انقلاب اسلامی است. این انقلاب که در ماهیت خود نوعی تحول فرهنگی و هویتی نیز بود به‌تبع پیامدهایی را نیز درباره جای نام‌های کشور به‌دنبال داشته است. از این‌رو مقاله حاضر در پی بررسی پیامدهای این تحول و دگرگونی

سیاسی در جای نام‌های ایران می باشد.

۲- روش تحقیق

پژوهش حاضر در مورد تغییر نام سطوح^۱ تقسیمات کشوری ایران در مقطع پس از انقلاب اسلامی می باشد و بررسی علل تغییر نام این سطوح تقسیماتی اساس کار پژوهش حاضر است. سوال تحقیق حاضر عبارت است از اینکه: تغییر نام‌های جغرافیایی در ایران در دوره پس از انقلاب اسلامی از نظر هویتی دارای چه ویژگی‌هایی بوده است؟ و فرضیه پژوهش این است که: به نظر می رسد تغییر نام‌های صورت گرفته در این دوره بیش از آنکه تحت تأثیر هویت ملی باشد، تحت تأثیر ایدئولوژی جمهوری اسلامی بوده است.

روش پژوهش پروژه مورد نظر توصیفی تحلیلی بوده و با مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی و مراجعه به مستندات موجود در وزارت کشور، روزنامه های رسمی، سایت های معتبر و مرتبط و فرهنگ‌های جغرافیایی انجام و از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است.

۳- مباحث نظری

۳-۱- فضا

از درهم تنیدگی تعاملات انسان و مکان فضا خلق می شود. مکان و فضای جغرافیایی دو مفهوم وابسته به هم هستند، لذا شناخت یکی بدون بررسی دیگری کامل نخواهد بود. مکان جغرافیایی متناظر با نقطه سه بعدی محدود یا وسیع است که در فضا تعیین می شود. فضای جغرافیایی نیز متناظر با عرصه سه بعدی، محدود یا وسیع است که مرکب از مکان‌ها و نقاطی است که در فضا با یکدیگر وابسته بوده و دارای کنش متقابل هستند.

تأثیر تصمیمات و عملکردهای سیاسی بر فضای جغرافیایی، دگرگونی فضایی و

۱- در پژوهش حاضر منظور از سطوح تقسیمات، استان، شهرستان، بخش و دهستان است و نقاط تقسیمات، نیز شامل شهر و روستا می باشد.

اجتماعی را به دنبال دارد که به تولید نیروهای فشار منجر می‌شود و این نیروهای اجتماعی در همه سیستم‌های سیاسی منجر به تغییر و اصلاح سیاست‌ها و عملکردهای سیاسی می‌گردد و حتی نظام ارزش و ایدئولوژی و پیش فرض‌های آنها را نیز متحول می‌کند. از آنجا که فضا و سیاست دارای تحرک و پویایی‌اند و تغییر هر کدام از این دو مؤلفه باعث تغییر دیگری است، لذا در هر فضایی سیاست خاص آن فضا باید وجود داشته باشد. فضا به‌طور جبری در حال تحول است و متقابلاً سیاست را تحت تأثیر خود دچار تغییر می‌کند. بنابراین سیاست باید تحول پیدا کند تا متناسب با زمان خود جوابگوی نیازهای بشری باشد. در واقع دینامیسم سیاسی هم به‌عنوان علت و هم به‌عنوان معلول دینامیسم اجتماعی و فضایی عمل می‌کند و همین امر باعث تعادل عمومی در جامعه می‌شود. پس می‌توان گفت که عدم تعادل در جوامع، بیش از آنکه مربوط به شرایط طبیعی آنها باشد، بیشتر تحت تأثیر تأثیرات دینامیسم سیاسی جوامع به‌عنوان علت غایی دینامیسم اجتماعی و به‌تبع آن دینامیسم فضایی جوامع است (Hafeznia, 2000).

۲-۳- سیاست

سیاست واژه‌ای مأنوس است که از گذشته‌های دور، انسان‌ها با آن سروکار داشته‌اند و با زندگی انسان پیوندی عمیق دارد. اندیشه و دانش سیاسی، پیشینه‌ای کهن دارد و به ایران و یونان قدیم بر می‌گردد. ولی سیاست به‌عنوان یک دانش و معرفت علمی، مربوط به سال‌های اخیر می‌شود. برای واژه سیاست معانی متعددی بیان شده است، مانند: فرمانروایی، مدیریت، عدالت، داوری، ریاست، مردم‌داری، تدبیر، تنبیه و مجازات، کشورداری، حراست، قدرت‌طلبی و ... (Abolhamd, 1997).

در واقع می‌توان، سیاست را علم اداره حکومت و جامعه سازمان‌یافته سیاسی دانست که به مطالعه انسان در فرآیند حکومت برخورد می‌پردازد. علم سیاست دانشی است که از حکومت، سازمان آن، کارکردها و نقش‌ها، اقتدار، حاکمیت، روابط

آحاد ملت با حکومت، حقوق و وظایف افراد ملت و قلمرو آزادی و اختیار انسان بحث می‌کند.

۳-۳- ایدئولوژی

واژه ایدئولوژی ترکیبی از «ایده» و «لوژی» است و در نخستین کاربرد به معنای دانش «ایده‌شناسی» یا «علم مطالعه ایده‌ها» بود. در نگاه اولیه ایدئولوژی‌ها را می‌توان به نظامی از اندیشه‌ها، که ذهن و عمل مردم را با توجه به مواردی مانند ملیت، نژاد، دین، نقش و کارکرد حکومت، روابط بین مرد و زن و مسئولیت انسان در برابر محیط زیست شکل می‌دهد، اطلاق کرد. این سیستم‌های اندیشه نشان داده‌اند که دارای قدرت و نفوذ بسیار زیاد و در برخی موارد نیز خطرناک هستند. ایدئولوژی‌ها در تاریخ قرن بیستم نقش اساسی دارند. رشد ملی‌گرایی، لیبرالیسم، ایجاد انقلاب‌های متعدد و ایجاد حکومت‌های تمامیت‌خواه راست‌گرا (نازی) و چپ‌گرا (کمونیست) از نتایج شکل‌گیری ایدئولوژی‌های مختلف در سطح جامعه بشری است. تمام انقلاب‌های مهم برپایه یک ایدئولوژی شکل گرفته است که این ایدئولوژی به مردم نشان می‌دهد، روابط انسان‌ها چگونه است، چگونه ممکن است باشد و چگونه باید باشد. این چگونه باید بودن موتور محرک انقلاب‌ها و تحولات مهم قرن بیستم بوده است.

جهان معاصر ایدئولوژی‌های بسیار زیادی را تجربه کرده است. قرن بیستم در اوایل خود رویارویی ایدئولوژی لیبرالیسم، مارکسیسم، فاشیسم را در جنگ جهانی دوم دید. ناسیونالیسم جغرافیایی سیاسی جهان را تغییر داد و هم‌اکنون اسلام‌گرایی در منطقه ما به‌عنوان ایدئولوژی مسلط در حال رشد و تکامل است (Zarhani, 2012).

۴-۳- نام‌های جغرافیایی

نام‌های جغرافیایی ریشه در عمق تاریخ اجتماعی جوامع دارد، زمانی که انسان‌ها در قبایل اولیه زندگی می‌کردند، از نام‌هایی بهره می‌گرفتند، که نشانی از طبیعت و حیوانات داشت، در دوره‌ای که شاهان بزرگ فرمانروایی می‌نمودند، نام‌هایی که در خور سلاطین و خاندان آنها بود بوجود آمد، و زمانی که انسانها به ادیان روی آوردند، مکان‌ها با نام ادیان در آمیخت. مردم در طول تاریخ نام‌هایی بر می‌گزیدند، که در اندازه دانایی زمان آنها بود، و به این ترتیب هویت‌ها آشکار می‌شد.

در چارچوب مطالعات جغرافیای سیاسی، نام‌های جغرافیایی در حکم شناسنامه یک کشور و ملت قلمداد می‌شوند؛ زیرا اسامی و نام‌های کشورها، استان‌ها، شهرستان‌ها، بخش‌ها، دهستان‌ها، شهرها، روستاها، کوهها، دره‌ها، دریاچه‌ها، مزارع، بیابان‌ها، جنگل‌ها و... همگی جزئی از تاریخ و جغرافیای ملت‌های ساکن در کره زمین هستند و هر یک به سهم خود جایگاهی بس ویژه و مهم دارد که حفظ و حراست از آن خدمت به فرهنگ سرزمین یک کشور قلمداد می‌شود. بعد از معاهده وستفاليا در سال ۱۶۴۸م که از اتصال بین حاکمیت و سرزمین مفهوم دولت ملی در حقوق بین‌الملل مطرح گردید، تمامیت ارضی و دفاع از هر آنچه حضور کشورها را در عرصه مناسبات بین‌المللی به رسمیت می‌شناخت در کانون توجه دولت‌ها قرار گرفت. در این راستا اسامی کشورها به‌عنوان معرف یک کشور در نظام بین‌المللی دارای اهمیت ویژه‌ای گردید و تمامی کشورها بویژه پس از سال ۱۶۴۸ تلاش خود را معطوف به حفظ نام خود در نقشه جغرافیای سیاسی جهان کردند. حضور هر حکومت در نظام بین‌المللی از طریق نام آن کشور قابل شناسایی بود و نام هر کشور برگرفته از هویت‌های تاریخی بود که بر مکان مشخصی اطلاق می‌گردید. پس از این مقطع، تمامی تحولات سیاسی صورت گرفته که منجر به تغییر مرزهای واحدهای سیاسی بر روی نقشه جهان گردیده، توانسته هم به حفظ نام واحدهای سیاسی منجر شود و هم نام واحدها را بویژه پس از آنکه دچار تحولات گردیدند تغییر دهد. تشکیل کنفدراسیون‌ها، اتحادیه‌ها و تشکیل گروه‌هایی در قالب همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی همگی در قالب نام‌های مشخص صورت گرفت که اهداف قدرت‌های

تعیین کننده نظام بین‌المللی در تعیین اسامی این تشکیل خود حائز اهمیت بسیاری است (Ahmadipur, 2006).

در راستای یک نام ملی مشترک، یک گفتمان مشترک میان افراد ملت شکل می‌گیرد که در آن انسان‌ها به درک مشترکی نسبت به مسائل کلی می‌رسند. در این چارچوب ساکنان یک قلمرو جغرافیایی احساس وحدت می‌کنند و خود را دارای منافع مشترک می‌بینند. درک مشترک نسبت به منافع سبب شکل‌گیری ناسیونالیسمی می‌شود که در نهایت افراد ملت را تشویق به اقدام‌های مختلف در جهت نیل به اهداف می‌کند.

۴- یافته‌های تحقیق

۴-۱- تغییرات سطوح تقسیمات کشوری پس از انقلاب اسلامی

تقسیمات کشوری ایران دارای چهار سطح است و کشور به چندین استان و هر استان به چند شهرستان و هر شهرستان به تعدادی بخش و هر بخش به چند دهستان تقسیم می‌شود. واحدهای اداری مربوط به مسئولان نامبرده در بالا به ترتیب وزارت کشور، استانداری، فرمانداری، بخشداری و دهرداری نام دارند. در این فصل یافته‌های گردآوری شده در جدولی بر اساس سطوح مختلف تقسیمات کشوری تهیه شده، و با بررسی کتب گوناگون مرتبط و سایت‌های مختلف از جمله سایت دولت، مصوبات مجلس را از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی (سال ۱۳۵۷) تا پایان سال ۱۳۹۲ بررسی نموده و مصوباتی که مربوط به تغییر نام واحدهای تقسیمات کشوری می‌باشد را استخراج و در جدول شماره ۱ آورده شده است، علاوه بر این تاریخ مصوباتی که در آن هیأت وزیران نام واحدها را تغییر داده و همچنین شماره مصوبات نیز در ستون‌های مجزا آمده است و همچنین در ستون نام جدید، نام تغییر یافته واحد سیاسی آمده و در ستون توضیحات نیز مرجعی که مصوبه از آن اخذ شده، ذکر گردیده است. در مجموع در دوره بعد از انقلاب، یعنی از اواخر سال ۱۳۵۷ یعنی پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان سال ۱۳۹۲ تعداد ۱۹۱ مورد تغییر در نام سطوح مختلف تقسیمات کشوری داشته ایم که در جدول شماره ۱ به آنها اشاره شده است (Isaniya, 2014).

جدول شماره ۱: تغییر نام سطوح تقسیمات کشوری^۱

ردیف	استان	شهرستان	بخش	دهستان	تاریخ مصوبه ^۲	شماره مصوبه	نام جدید ^۳	علت تغییر
۱	آذربایجان غربی	شاهپور			۱۳۵۸/۷/۲۱	۴۲۴۲۴	سلماس	ایدئولوژیک
۲	آذربایجان غربی	رضانیه			۱۳۵۸/۷/۲۲	۵۴۶۰۴	ارومیه	ایدئولوژیک
۳	اصفهان	شهرضا			۱۳۶۱/۴/۳۰	۴۳۷۴۴	قمشه	ایدئولوژیک
۴	بوشهر	تنگستان	ساحلی		۱۳۷۵/۷/۱۵	۱۷۱۷۵/ت/۱۲۱۴۱۵	دلوار	ایدئولوژیک
۵	تهران	قم	کهنک		۱۳۵۸/۷/۲	۴۲۳۷۰	نوفل لوشاتو	ایدئولوژیک
۶	خراسان رضوی	باخرز	مرکزی	باخرز	۱۳۸۹/۵/۱۳	۱۰۵۱۱۱/ت/۴۴۳۶۲ هـ	مالین	ایدئولوژیک
۷	خوزستان	شوشتر	شادروان		۱۳۸۷/۱۱/۱۳	۲۳۵۵۵۷۱/ت/۴۱۳۰۹ ک	شعبیه	ایدئولوژیک
۸	خوزستان	ماهشهر	بندرامام خمینی		۱۳۶۱/۷/۲۱	۳۶۴۷۴	بندرامام خمینی	ایدئولوژیک
۹	خوزستان	ماهشهر	بندر شاهپور		۱۳۵۸/۶/۲۶	۵۵۱۴۶	بندرامام خمینی	ایدئولوژیک
۱۰	خوزستان	دشت میشان			۱۳۵۸/۸/۱	۵۴۵۹۴	دشت آزادگان	ایدئولوژیک
۱۱	زنجان	زنجان		سعیدآباد	۱۳۷۰/۴/۹	۵۸۱۲۹/ت/۴۶ ک	قلنوق	ایدئولوژیک
۱۲	سمنان	سمنان	سنگسر		۱۳۵۸/۱۱/۱۷	۵۲۰۰۸	مهدی شهر	ایدئولوژیک
۱۳	فارس	دازاب		شاهبیجان	۱۳۷۱/۶/۱۰	۲۳۴۱۶/ت/۳۱ ک	بختاجرد	ایدئولوژیک
۱۴	کردستان	بانه	پهلوی دژ		۱۳۵۹/۸/۷	۴۲۶۵۶	ننور	ایدئولوژیک
۱۵	کرمانشاهان				۱۳۶۰/۱۰/۱۶	۸۹۳۹/۱۳	باختران	ایدئولوژیک
۱۶	کرمانشاهان	شاه آباد غرب			۱۳۵۸/۱۱/۱۰	۵۱۹۸۰	اسلام آباد غرب	ایدئولوژیک
۱۷	گیلان	بندریپهلوی			۱۳۵۸/۶/۱۳	۴۲۳۴۵	بندرانزلی	ایدئولوژیک
۱۸	گیلان	لاهیجان	بندر فرحناز		۱۳۵۹/۲/۲۱	۲۰۸۰	کیاشهر	ایدئولوژیک
۱۹	مازندران	گرگان	بندر شاه		۱۳۵۸/۶/۱۲	۴۲۳۴۶	بندر ترکمن	ایدئولوژیک
۲۰	مازندران	شاهی			۱۳۵۸/۱۱/۱۰	۲۴۴۶۹	قائم شهر	ایدئولوژیک
۲۱	مازندران	شهسوار			۱۳۵۸/۱۲/۲۴		تنکابن	ایدئولوژیک
۲۲	مازندران	گرگان	پهلوی دژ		۱۳۵۸/۱۲/۲۴		آق قلعه	ایدئولوژیک

۱. به علت حجم بالای جدول مربوطه فقط تغییرات ایدئولوژیک به عنوان نمونه در جدول فوق آمده است.

۲. نام جدید در این ستون مربوط به اسامی می باشد که در جدول فوق با زیرخط مشخص شده اند.

۳. در ستون تاریخ مصوبه به ترتیب؛ چهار رقم اول مربوط به سال، دو رقم بعدی ماه و دو رقم آخر روز تغییرات می باشد.

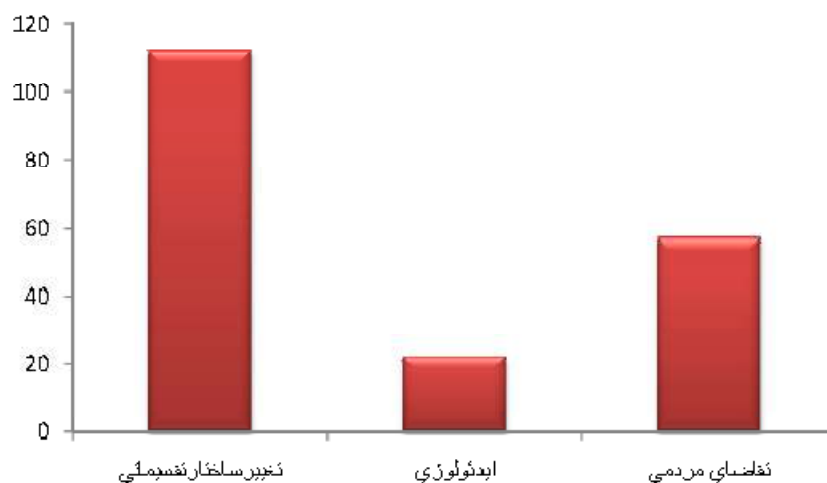
۵- تجزیه و تحلیل

تغییرات در نام واحدهای سیاسی کشور در دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی یعنی از اواخر سال ۱۳۵۷ تا پایان سال ۱۳۹۲ در مجموع ۱۹۱ مورد بوده است (نمودار شماره ۱). که در نام استان، کرمانشاه ۲ بار تغییر داشته و ۲۲ تغییر در نام شهرستان‌ها و ۴۷ تغییر در نام بخش‌ها و ۱۲۱ تغییر در نام دهستان‌ها انجام شده که به علل گوناگونی بوده است.

۵-۱- تغییر ساختار تقسیماتی

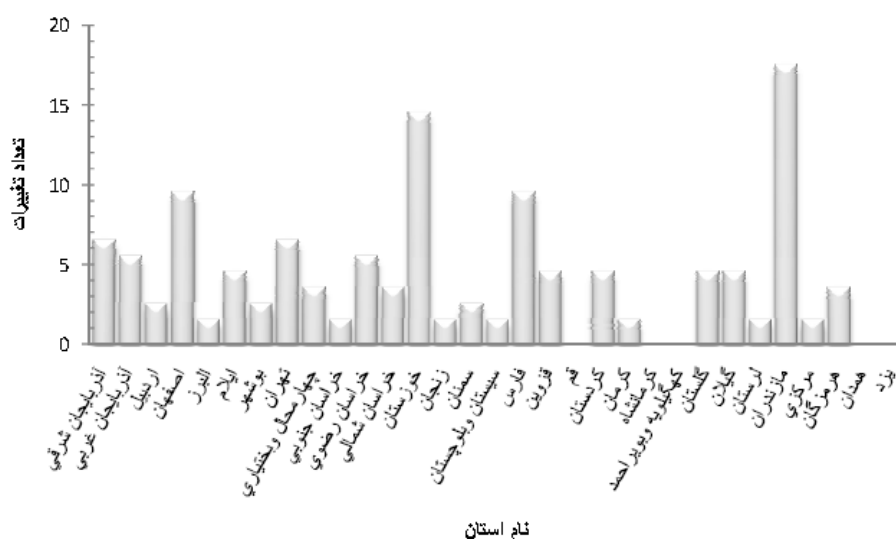
بسیاری از تغییرات در نام واحدهای تقسیمات کشوری مربوط به تغییر ساختار تقسیمات کشوری می‌باشد (نقشه شماره ۱)، که در اینجا منظور از تغییر ساختار عوامل گوناگونی است مانند انتزاع که در آن مثلاً یک بخش به دو قسمت تقسیم می‌شود و بر این اساس نام قبلی دیگر نمی‌تواند برای واحدهای جدید اطلاق شود، به همین سبب نام واحد سیاسی تغییر می‌کند. عامل دیگر الحاق است که در اینجا یک واحد سیاسی به واحد سیاسی دیگر ملحق می‌شود، و در این صورت نام قبلی واحد سیاسی برای این منطقه که وسعت آن افزایش یافته و در این سرزمین نام‌های دیگری افزوده شده است، کفایت نمی‌کند و مجبور به تغییر نام واحد سیاسی می‌شویم. از عوامل دیگر در این مقوله ارتقاء واحد سیاسی است به این صورت که مثلاً یک بخش به شهرستان تبدیل می‌شود، که در این مورد نیز ناچار به تغییر نام آن خواهیم شد. به طور کلی تغییرات این بخش به علت تغییر در مرزهای محدوده‌ی واحدهای سیاسی می‌باشد، که این عامل هم شامل افزایش محدوده باشد و هم می‌تواند شامل کاهش محدوده واحدهای سیاسی باشد. به عنوان مثال محدوده یک دهستان به علت پیوستن چند روستا به آن تغییر کرده و بزرگتر شده است که به همین علت در این منطقه یکی از مشکلات ایجاد شده می‌تواند اختلاف بر سر نام محدوده سیاسی باشد که باعث تغییر نام آن خواهد شد.

نمودار شماره ۱: علل تغییر نام واحدهای سیاسی



با توجه به نمودار شماره ۱ در مجموع از ۱۹۱ تغییر نام صورت گرفته واحدهای سیاسی بعد از انقلاب ۱۱۲ تغییر مربوط به تغییر ساختار تقسیماتی می باشد که بیشترین تغییرات مربوط به این گزینه بوده و ۵۸/۶ درصد تغییرات را شامل می شود. از لحاظ مکانی با توجه به نمودار شماره ۲ استان مازندران با ۱۷ مورد و خوزستان با ۱۴ مورد بیشترین و استان های قم، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، همدان و یزد بدون تغییر، کمترین تغییرات در این زمینه را دارند و از لحاظ زمانی سال ۱۳۸۹ با ۱۰ مورد تغییرات بیشترین رکورد را در این سالها داشته است (Isaniya, 2014).

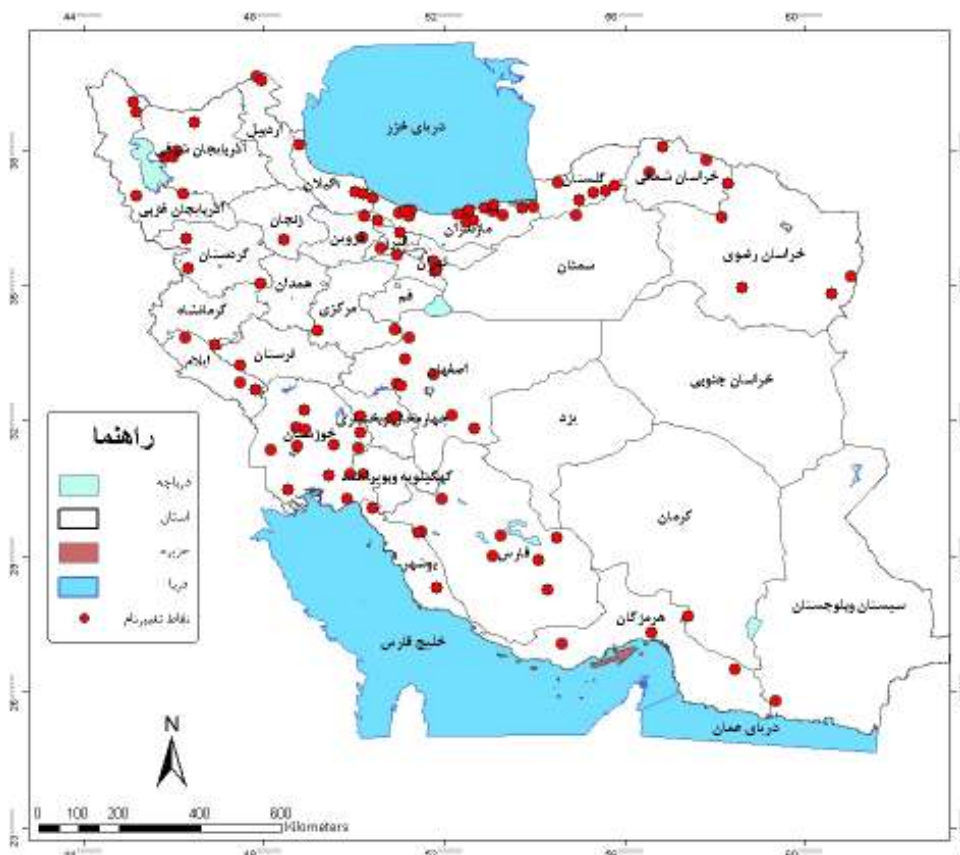
نمودار شماره ۲: تغییرات استانی بر اساس مؤلفه تغییر ساختار تقسیماتی



در مورد تغییر نام واحدهای سیاسی بر اساس تغییر در ساختار تقسیمات کشوری مثال‌های زیادی می‌توان آورد از جمله: دهستان بشاریات در استان قزوین به دو قسمت تقسیم و به همین دلیل تغییر نام داده و به بشاریات غربی تغییر نام داده است و قسمت دیگر آن نیز بشاریات شرقی نام گرفت. مثالی دیگر در سال ۱۳۸۶ در استان تهران، شهرستان نظرآباد، دهستان تنکمان به علت تغییر ساختار به دو قسمت تقسیم شد که به همین دلیل تغییر نام داده و به تنکمان جنوبی تبدیل شد و قسمت دیگر آن نیز تنکمان شمالی نام گرفت. در استان اصفهان، شهرستان لنجان، دهستان آشیان به دو قسمت تقسیم می‌شود و به همین دلیل تغییر نام داده و به آشیان جنوبی تبدیل می‌شود، و قسمت دیگر آن نیز آشیان شمالی نام گرفت. در استان گیلان، شهرستان رودسر، نام دهستان اوشیان و سیاهکلرود به علت تفکیک شدن به دو قسمت تغییر نام داده و به نام سیاهکلرود نامیده می‌شود، و قسمت دیگر آن نیز به نام دهستان اوشیان نامیده می‌شود. در سال ۱۳۸۹ در استان تهران، شهرستان ساوجبلاغ، به علت تغییر ساختار تقسیمات و ایجاد بخشی به نام بالاطالقان، نام دهستان بالاطالقان در بخش طالقان به جوستان تغییر نام داده شده است.

در استان اصفهان، بخش برخوار مرکزی در سال ۱۳۷۸ به شهرستان تبدیل شده و نام آن به برخوار تغییر داده شده است. در استان سمنان، شهرستان شاهرود به علت ارتقاء دهستان بسطام به بخش، نام دهستان بسطام به خرقان تغییر داده شده است.

نقشه شماره ۱: پراکنش تغییرات بر اساس مؤلفه ساختار تقسیماتی



۲-۵- ایدئولوژیک

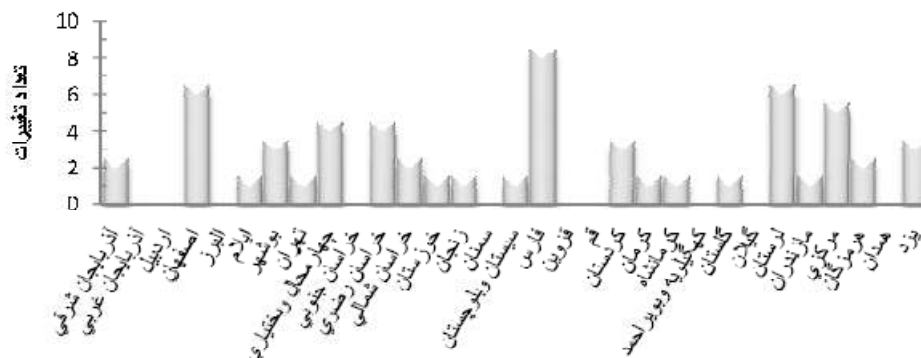
در هنگام مطالعه تاریخ و جغرافیا به اسامی زیادی برمیخوریم که در یکی از مقاطع تاریخی دارای حسن و اعتبار، ارزش و حیثیت بوده و در دوره دیگر باعث سرافکندگی، سرزنش، طعن و لعنت مردم شده است. مثلاً لقب خان که در گذشته طی تشریفات خاصی از طرف پادشاه به

کسی داده می‌شد، امروزه به معنی و کنایه از زورمندی و ظلم و ستم از آن یاد می‌شود. در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی مسئولین و مردم ایران به خاطر مخالفت با سیاست‌های رژیم گذشته، در همان اوایل پیروزی انقلاب اقدام به تغییر و اصلاح اسامی‌ای که منتسب به آن رژیم بود کردند. هر چند گاهی اوقات در مفهوم آن اشتباه صورت گرفت، به طور مثال منظور از کلمه شاه در همه موارد نظام شاهنشاهی نیست بلکه در خیلی از موارد منظور بزرگی و عظمت است، البته لازم به ذکر است که این تلاش در پاره‌ای از موارد به ثمر نرسید و به همان نام قبلی برگشت. مانند تغییر نام استان کرمانشاهان به باختران، که به تصور این که میان نام شهر کرمانشاه یا استان کرمانشاهان، با عنوان و مقام شاهی ایران زمین، پیوند خاصی دارد، نام کرمانشاهان را بدون هیچ‌گونه توجیه علمی و تاریخی برداشته و نام آن را به باختران تغییر دادند.

از بین ۱۹۱ تغییر نام واحدهای سیاسی صورت گرفته کشور از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۲ تعداد ۲۲ تغییر مربوط به تغییرات ایدئولوژیک می‌باشد که ۱۱/۵ درصد تغییرات را شامل می‌شود و پراکنش آن در نقشه شماره ۲ آمده است. بیشترین تغییرات ایدئولوژیک از لحاظ زمانی ۱۲ مورد (۵۴/۵ درصد تغییرات) می‌باشد که در سال ۱۳۵۸ یعنی همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی صورت گرفته که با توجه به دیدگاه انقلاب منطقی به نظر می‌رسد، و از لحاظ مکانی خوزستان و مازندران با ۴ تغییر در رأس استان‌های دیگر قرار دارند.

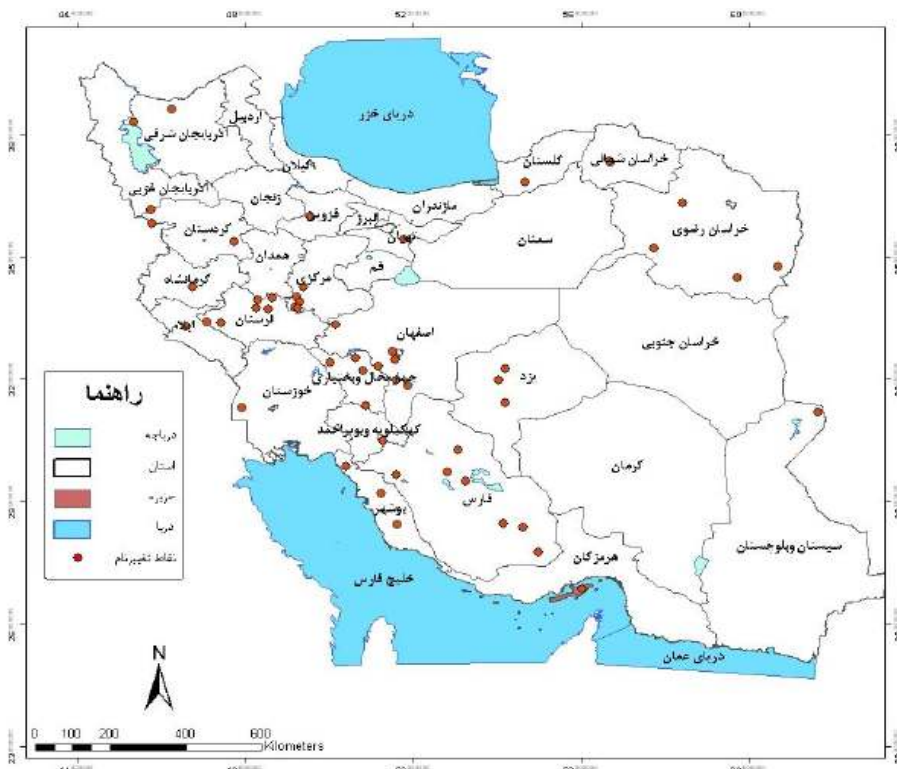
گیلان و همدان هیچ تغییری صورت نگرفته است (نمودار شماره ۴).

نمودار شماره ۴: تغییرات استانی بر اساس مؤلفه تقاضای مردمی



نام استان

نقشه شماره ۳: پراکنش تغییرات بر اساس مؤلفه تقاضای مردمی



با توجه به پژوهش انجام شده، از ۱۹۱ تغییر نام صورت گرفته سطوح مختلف تقسیمات کشوری شامل نام استان، شهرستان، بخش و دهستان‌های کشور در مقطع پس از انقلاب اسلامی، با توجه به نمودار شماره ۱ نشان دهنده این است که ۵۸/۶ درصد تغییرات و بیشترین آن مربوط به تغییر ساختار تقسیمات کشوری می‌باشد، که به علت ارتقاء و تغییر محدوده‌های سیاسی تقسیمات کشوری، صورت گرفته است. ۲۹/۹ درصد تغییرات نیز به علت درخواست مردمی بوده و تنها ۱۱/۵ درصد تغییرات مربوط به ایدئولوژی انقلاب اسلامی می‌باشد، و نتیجه پژوهش حاکی از این است که علت اصلی تغییرات همان تغییر در ساختار تقسیمات کشوری و در مرحله بعد درخواست‌های مردمی بوده است.

۶- نتیجه‌گیری

با بررسی در نام‌های عناصر تقسیمات کشوری در می‌یابیم که معمولاً این عناصر با توجه به اوضاع طبیعی، جغرافیایی، پیشینه تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نامگذاری شده‌اند، اما این بدان معنا نیست که تمامی آنها از این الگو تبعیت کرده باشند، در بعضی از موارد مشاهده شده که این نامگذاری‌ها تحت تأثیر فشار اهرم‌های سیاسی، سلايق فردی و گروهی و یا متأثر از احساسات مردمی بوده است و به همین دلیل حتی پس از گذشت چند سال، این اسامی نتوانسته با اقبال عمومی مواجه شود و چه بسا همان نام‌های قبلی مورد استفاده قرار گرفته است.

نامگذاری در ایران از زمان‌های گذشته تاکنون از قانون مشخصی پیروی نکرده و در هر زمان عواملی تاثیرگذار بر این موضوع بوده است که باعث تغییر نامگذاری‌های متنوع گردیده است. یافته‌های تحقیق حاضر گویای آن است که روند تغییر نام در ایران در مقطع پس از انقلاب اسلامی به علت تغییر ساختار تقسیمات کشوری بوده است.

در چارچوب مطالعات جغرافیای سیاسی، نام‌های جغرافیایی در حکم شناسنامه یک ملت و سرزمین قلمداد می‌شوند؛ زیرا اسامی استان، شهرستان، بخش، دهستان، شهر، روستا و ... همگی جزئی از تاریخ و جغرافیای ساکنان آن محل هستند و حفظ و حراست از آنها خدمتی

بزرگ به فرهنگ سرزمین آنجا قلمداد می‌شود. در واقع نام‌ها بویژه نام هر منطقه مشخص کننده محدوده حاکمیت و قلمرو، مرز خودی از بیگانه، نوع حکومت و ... می باشد. لذا حفظ نام‌های جغرافیایی و عدم تغییر آنها مگر در شرایط خاص باید در دستور کار دولت‌ها قرار گیرد و قدر این گنجینه گرانبها را باید دانست و به حراست از آنها همچون یکی از آثار مهم تاریخی، ملی و فرهنگی پرداخت زیرا این نام‌ها با وجود تفاوت‌هایشان می‌توانند باعث پیوند میان ساکنان واحدهای سیاسی شوند.

۷- قدردانی

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از معاونت پژوهشی دانشگاه خوارزمی به‌خاطر فراهم نمودن زمینه انجام پژوهش حاضر، قدردانی نمایند.

References

1. Abolhamd, Abdorrahman, (1997); Policy principles, First volume, Tehran: Tous[in Persian].
2. Ahmadipur, Zahra (2006); Divisions and political instability in Iran, Tehran: Iranian Journal of Geopolitics[in Persian].
3. Laws and Regulations of Islamic Republic of Iran Site, (2012); <http://law.dotic.ir/AIPLaw/t>[in Persian].
4. Hafeznia, Mohammadreza (2000); Principal of Social & Political Studies, Qom: The Organization of Abrood Howzeh and Islamic Schools[in Persian].
5. Cultural Heritage Handicraft & Tourism Site, (2014); <http://www.ichto.ir/Default.aspx?tabid>[in Persian].
6. Laws and Regulations of Islamic Republic of Iran Site, (2014); <http://www.rooznamehrasmi.ir/Laws>[in Persian].
7. Isania, Hossein (2014); Investigation of proportion of ideology to geonames, Research Project, Tehran: University Khwarizmi[in Persian].
8. Farahi, Mohtaram (1998); The Evolution of Map & Country Divisions in Iran from 1906 to 1998, Tehran: Country Divisions Department Ministry of Interior[in Persian].
9. Comprehensive Book of rules of Iran, (1979); Tehran: The office newspaper of Islamic republic of Iran[in Persian].
10. Comprehensive Book of rules of Iran, (1980), Tehran: The office newspaper of Islamic republic of Iran[in Persian].
11. Comprehensive Book of rules of Iran, (1991), Tehran: The office newspaper of Islamic republic of Iran[in Persian].
12. Statistics center of Iran, (2012); Selective results of the 2011 census, Tehran: Statistics center of Iran[in Persian].
13. Mombini, Ardeshir, et al, (2012); The geographic names role in the national identity, Conference on Geographic Names, Tehran: National cartography center[in Persian].
14. Zarhani, Seyyed hoseyn, (2012); Tabian Website, <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=202911>[in Persian].